

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بوم نواهای سر کویر

پژوهشی در آثارها و نواهای محلی طرود و سطوه

برای آقای

سید حسین طباطبائی



انتشارات حبله رود

۱۳۹۶

سرشناسه	عامری، جواد، ۱۳۶۰ دی -
عنوان و نام پدیدآور	بوم‌نواهای سرکوب: پژوهشی در آواها و نواهای محلی طرود و سَطَوَه
مشخصات نشر	جواد عامری، سیدحسین طباطبایی. سمنان: انتشارات حبله رود، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۸۷ص: مصور (رنگی).
شابک	۵-۰-۸۷۸۴-۶۰۰-۹۷۸: ۳۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۵۲.
عنوان دیگر	پژوهشی در آواها و نواهای محلی طرود و سَطَوَه.
موضوع	شعر عامه فارسی -- ایران -- طرود
موضوع	Folk poetry, Persian- - Iran- - Torud
موضوع	شعر عامه فارسی -- ایران -- سَطَوَه
موضوع	Folk poetry, Persian- - Iran- - Satveh
موضوع	طرود
موضوع	Torud (Iran).
موضوع	نَوه
موضوع	Satveh (Iran).
شناسه افزوده	طباطبایی، روح‌ن، ۱۳۶۱-
رده‌بندی کنگره	PI ۸۸۱/۴۲: ۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی	۸۹۹/۸
شماره کتابشناسی ملی	۴۹۷۹۷۱۵

شناسنامه

بوم‌نواهای سرکوب

پژوهشی در آواها و نواهای محلی طرود و سَطَوَه

جواد عامری؛ سیدحسین طباطبایی

ناشر: حبله رود

چاپ نخست، ۱۳۹۶

شابک: ۵-۰-۸۷۸۴-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی: محمدتقی رهبری فرد

طرح روی جلد: مرجان شمس‌خانی

چاپ و صحافی: زلال کوثر قم

قیمت: سی هزار تومان



انتشارات حبله رود

سمنان: بلوار ولی عصر (عج)

جنب مسجد آل محمد (ص)

www.hablerood.ir

فهرست مطالب

۱.....	پیش گفتار.....
۷.....	نگاهی کلی به دهستان طرود و توابع.....
۹.....	معرفی اجمالی طرود.....
۹.....	موقعیت جغرافیایی.....
۹.....	آمار و جمعیت.....
۱۰.....	وجه تسمیه.....
۱۱.....	طرود در دهستان.....
۱۳.....	بنای کنونی و امامزادگان.....
۱۵.....	قلعه سنگ در دهستان.....
۱۶.....	سیمای طرود در اینه.....
۱۷.....	سفرنامه سون هدین.....
۲۰.....	سفرنامه آلفونس گابریل.....
۲۳.....	سفرنامه پرویز رجبی.....
۲۷.....	سفرنامه دریای گمشده.....
۳۰.....	سفرنامه دشت کویر.....
۳۱.....	سفرنامه حسن شهنما.....
۳۲.....	تاریخ قومس.....
۳۳.....	چوداری ها قبیله ای کویرنشین.....
۳۳.....	طرود گمشده ای در کویر.....
۳۴.....	بندر طرود.....
۳۵.....	فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور.....
۳۷.....	طرود و زلزله.....
۳۹.....	شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۳۱ شمسی.....
۴۳.....	یکشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۳۱.....
۴۵.....	دوشنبه ۲۷ بهمن ماه.....
۴۵.....	گزارش از م. دوامی.....
۵۲.....	چهارشنبه بیست نهم بهمن ماه.....
۵۳.....	پنج شنبه ۳۰ بهمن ماه.....

۵۴.....	شنبه دوم اسفند ماه.....
۵۴.....	یکشنبه سوم اسفند ماه.....
۵۷.....	زلزله طُرد.....
۵۹.....	معرفی اجمالی سَطَوَه.....
۵۹.....	موقعیت جغرافیایی.....
۶۰.....	وجه تسمیه سَطَوَه.....
۶۱.....	شرایط اقلیمی سَطَوَه.....
۶۱.....	آمار جمعیت سَطَوَه.....
۶۲.....	ادبیه‌های طبیعی سَطَوَه.....
۶۳.....	پوشش بومی و محلی سَطَوَه.....
۶۴.....	پیشینه تاریخی سَطَوَه.....
۶۵.....	شهر ترخ.....
۶۶.....	پیشه‌ها و ساغان در سَطَوَه.....
۶۸.....	محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی.....
۶۹.....	سَطَوَه در سفرنامه‌ها و منابع کتبی.....
۷۱.....	طُرد و سَطَوَه همسایگان کویر.....
۷۴.....	موقعیت استراتژیک.....
۷۶.....	سال‌های مشهور در گاه‌شمار محلی.....
۷۸.....	یوم‌سروده‌های طُرد و سر کویر.....
۸۰.....	آلاه.....
۱۱۰.....	سُرو.....
۱۲۰.....	رُباعی.....
۱۳۶.....	کَلِگی.....
۱۶۲.....	خدا.....
۱۸۹.....	اُنگاره.....
۲۱۸.....	تصنیف‌های مردان در عروضی.....
۲۲۵.....	اُشترک.....
۲۲۶.....	تصنیف‌های زنان در عروضی.....
۲۳۶.....	ترانه‌های کودکانه.....
۲۴۶.....	اشعار پراکنده.....
۲۵۴.....	کتاب نامه.....
۲۵۸.....	ضمائم.....

پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم
فاتحه فکرت بختم سخن
هست کلید در گنج حکیم
نام خدایست بر او ختم کن

کتاب حاضر در دو جهت قابل اهمیت و سزاوار توجه است: یکی آنکه مؤلفان کتاب هر دو از گویشوران و اهالی کور هستند. بارها با موضوع تحقیق خود رابطه ملموس و محسوس داشته‌اند؛ بوم‌سروده‌های کویری را زنده و با خود زمزمه کرده‌اند و در تجربه عاطفی و ادبی این اشعار با هموطنان کویری خود سربیک و هم‌دل شده‌اند. دوم اینکه هر دو از دانشجویان دکتری زبان و ادبیات فارسی هستند و از چندین سال پیش، مهارت گردآوری و تدوین فولکلور را با روش‌ها و معیارهای آکادمیک فراگرفته‌اند و در این زمینه، پایان‌نامه و مقالاتی تدوین کرده‌اند. از این رو، این کتاب افزون بر اعتبار منابع و مآخذ، به زنجیره شایسته و روش علمی تدوین نیز آراسته است. البته مانند هر امر بشری دیگر، خالی از اشکالاتی هم نیست که آن اشکالات به مدد تذکر و راهنمایی مشفقانه خوانندگان، به ویژه مردم روستایی کور، در چاپ‌های بعدی برطرف خواهد شد.

پژوهش درباره بوم‌سروده‌های کویری که به نام‌های محلی آن و وجوه تسمیه آن‌ها در کتاب اشاراتی رفته، از چند زاویه و منظر ممکن و مطلوب است. چه، لایه‌های تودرتوی فرهنگ، تمدن و هویت کویرنشینان، در این اشعار، به کنایت یا به صراحت مجال بروز و ظهور یافته و ابعاد مختلف زندگی روحی و مادی آن‌ها به نحوی از انحاء در این آواها منعکس شده است. از این رو بی‌تردید یکی از مهم‌ترین منابع تدوین و تحلیل روانشناسی و

جامعه‌شناسی مردم کویر، همین بوم‌سروده‌های کویری و روایات مختلف و مشابه آن در روستاهای حاشیه کویر محسوب است.

بوم‌سروده‌های کویری از جهت اشتغال بر تشبیهات، استعارات و کنایات طبیعی و دلنشین نیز حائز اهمیت است. در این اشعار می‌توان نوعی بلاغت عامیانه را که با شیوه زندگی و تولید کویرنشینان موافق و دمساز است، جستجو کرد و شگردهای بلاغی آن را به طور منظم و منسجم به دست داد. صور خیال بکار رفته در این بوم‌نواها به ویژه تشبیه‌های موجود در آن‌ها، در عین حال به ساده و طبیعی به نظر می‌رسد، ظرایف بلاغی زیادی دارد. در برخی از این تشبیهات، مقایسه و وجه شبه‌هایی به کار رفته که سادگی و ظرافت را با هم در خود جمع کرده و گشودن و تحلیل آن به عنوان مثال نیاز به دانستن یک نکته باغبانی یا ساربانی دارد. در یکی از این تشبیهات معشوق را نامزد به سیب مانند شده است و وجه شبه این تشبیه «از نو بر دادن» است؛ یعنی معشوق به سبب دیگر زیبارویان، پیر نمی‌شود و در هر دوره و مقطعی از عمر، از نو شکفته می‌شود و زیبایی خود را تجلی می‌کند:

به ماه مانی که از کوه می‌زنه سر به سیب مانی که از نو می‌دهد بر

در جای دیگری این مضمون تکرار می‌شود و شاعر با جستجوی شواهد بیشتر بتوان آن را یک مضمون بلاغی مکرر در بوم‌سروده‌های کویری به حساب آورد. تکرار مضمون چنین است که شاعر معشوق را که مانند باز شکاری است و طبع باز دارد و در چمن رواز می‌کند، دارای این ویژگی می‌داند که در عین پیری از نظر سن و سال، هنوز زیباست و از روی بلندهمتی بر جوانان ناز می‌کند.

تشبیه‌های موجود در این اشعار از جهت ملموس و محسوس کردن عواطف شخصیت‌ها به ویژه معشوق حائز اهمیت است. در بیتی خشم معشوق از جهت نامطلوب بودن آن برای عاشق، به آب‌غوره تشبیه شده و در جای دیگر خشم و ناز توأمان او - که در ادبیات کلاسیک فارسی نیز مطلوب و نیکو شمرده شده - به انار می‌خوش مازندران مانند شده است.

گاه در این تشبیه‌ها به رگه‌هایی از طنز برمی‌خوریم که کویرنشینان آن‌ها را در مناسبت‌ها

و مواقع خاصی ممکن است به کنایه بخوانند. مثلاً در یکی از این دوبیتی‌ها، قد بلند به «چوب چوپان» و لب به «بیل دهقان» مانند شده است:

قدت را چوب چوپان می‌توان گفت لب‌ت را بیل دهقان می‌توان گفت
از آن حُسن و جمالی که تو داری تو را غول بیابان می‌توان گفت

تجاهل‌العارف‌های عاشقانهٔ این بوم‌سروده‌ها که نمونه‌های زیبایی از آن‌ها در ادبیات رسمی نیز وجود دارند، دارای صمیمیت و زیبایی خاصی است و با شگردهایی که غالباً در مصراع اول به کار گرفته می‌شود، بار عاطفی آن‌ها دوچندان می‌شود. نمونه را، در بیت زیر شاعر با آوردن تعبیر «به قربان سرت» در مصراع نخست بر دلنشینی و لطف این تجاهل‌العارف افزوده است:

به قربان سرت گرفت دوباره ندانستم تو ماهی یا ستاره

در بوم‌سروده‌های کوبی، مضامین و موضوعات غنایی مختلف و متعددی را می‌توان رصد کرد که مناسب ذوق، روحیه و معیشت مادی و روحی اهل کوبیر، در اشعارشان بروز و ظهور یافته است. بررسی این موضوعات و مضامین به ریزه برای مطالعهٔ تطبیقی ادبیات غنایی در فولکلور و ادب رسمی و تعاملاتی که همواره بین این دو حوزه وجود داشته، بسیار حائز اهمیت و سودمند است. چنانکه پیش از این اشاره شد، تشبیه معنوی به انار می‌خوش مازندران توصیفی عامیانه است از خشم و ناز توأمان او که بارها در ادبیات رسمی به آن اشاره شده است.

تشبیه‌های متعددی که در این اشعار آمده و طیف وسیعی از مخاطبان مانند عروس، داماد، پدر و مادر عروس و داماد، معشوق، نامزد و جز آن‌ها را شامل می‌شود، ضمن ساده و طبیعی بودن، خالی از ظرافت‌های بلاغی و هنری نیز نیستند؛ مثلاً در جایی عروس و داماد به ترتیب به ماه و مشتری مانند شده‌اند و گویا منشأ این تشبیه نوعی نجوم عامیانه است.

خطاب‌های متعدد و متنوعی که در این اشعار آمده متناسب با نوع مجلس و ویژگی‌های جسمی و روحی مخاطبان است و اگر در اصل شعر چنین نباشد، به اقتضای حال و مقام دخل و تصرف‌های بالیدیه و ارتجالی در آن‌ها صورت داده می‌شود.

این محاضرات و بدیهه‌گویی‌ها که بخش قابل توجهی از آن‌ها محتوای عاشقانه دارد، ممکن است به تدریج سبب آن شود که یک دوبیتی یا رباعی تحول و تطور یابد و شکستگی‌ها و نقصان‌هایی در وزن این اشعار که از دیرباز تاکنون سینه به سینه روایت شده‌اند، راه یابد. نمونه‌ای از این محاضرات هم آن است که متناسب با اقتضائات پیش گفته، از گنجینه وسیع اشعار محلی، موردی خوانده شود که مناسب مجلس و شخصیت‌های آن باشد؛ مثلاً اگر قد عروس بلند باشد اشعاری خوانده شود که در ستایش زیبایی و بلندقامتی سروده شده است؛ اما اگر عروس قد کوتاه یا حتی کوتوله هم باشد، اشکالی ایجاد نمی‌شود و دوبیتی‌خوان می‌تواند از انبان وسیع اشعاری که در حافظه دارد شعری بخواند که در آن قد کوتاه، زیبا و مطلوب شمرده شده و دور لب کوتاه‌قدان شکرین دانسته شده است یا ذکر این مطلب که اگر کسی از کره دامن هم‌سری برگزیند، دوزخ بر او حرام می‌شود.

بر این اساس گویا در بوم‌نواهای کویری بر خلاف شعرهای عاشقانه ادبیات رسمی، معیارهای جمال‌شناسانه قابل انعطاف‌تری پیش‌بینی شد که به مناسبت هر محفل و به اقتضای هر حال و مقامی می‌توان یکی از آن‌ها را خواند و مخاطب را - هرچند از استانداردهای زیبایی که در عرف ادبی ما وجود دارد محروم باشد - راضی و دانه‌سنگ نگاه داشت. البته در ادبیات رسمی هم در سبک‌ها و دوره‌های مختلف معیارهای جمال‌شناسانه متفاوت است؛ اما در هر دوره و سبکی غالباً معیارهای ثابتی وجود دارد که هر ویژگی و خاصیت که بر اساس آن معیارها نباشد، زیبا و نیکو شمرده نمی‌شود. در ادبیات عامیانه معیارهای جمال‌شناسانه ثابتی نیز وجود دارد؛ اما برای موارد خاص، پیش‌بینی‌ها و انعطاف‌هایی صورت گرفته است.

در بوم‌سروده‌های کویری از جهات مختلف و متعددی می‌توان عناصر مربوط به هویت و فرهنگ ایرانی را جستجو کرد. اگر شکسته‌سبویی که متعلق به هزاران سال پیش است، گاه برای ما به مثابه آینه‌ای عمل می‌کند که می‌توانیم فرهنگ و هویت خودمان را در آن به نظاره بنشینیم، این اشعار محلی به طریق اولی و از ابعاد وسیع‌تری قابلیت و خاصیت آینگی دارد و می‌توان در این آینه عناصر فرهنگ مردم کویر ایران را جستجو کرد.

نگاهی کوتاه به برخی اصطلاحات بکار رفته در کتاب حاضر مانند خدا، سُرو، اُنْگاره و جز آن نشان می‌دهد که این اصطلاحات کهن، حامل و حاوی فکر و فرهنگ ایرانی در قرون اعصار گذشته هستند و مانند موجودی زنده در هر دوره‌ای خود را با تطورات و تحولات زمانه هماهنگ کرده‌اند و تا به امروز به حیات خود ادامه داده‌اند.

بدون شک ثبت و ضبط این گنجینه‌های فرهنگی برای تضمین بقای آن‌هاست، در دوره و زمانه‌ای که سیطره فرهنگ‌های رسمی مجالی برای عرض اندام خرده فرهنگ‌ها باقی نگذاشته است.

در این اشعار، ادب، رسوم و مناسک ایرانی در جشن‌ها و سوگواری‌ها و مناسبت‌های ملی دیگر اشاراتی می‌نماید که بسیار ارزنده و درخور توجه است. اشارات مربوط به جشن نوروز در ابیات زیر نشان می‌دهد این جشن کهن تا چه اندازه مایه نازش مردم کویر بوده و در چه حدی آن را محترم و محبوب تلقی کرده‌اند:

شب عیده که نوروزه بنامم مثال شاه بر روی عواضم

شب عیده که هر کس با عزیزش کد بازی به زلف مشک‌بیزش

در اشعاری که متعلق به مراسم سوگواری است و در مورد ای مذکور به «اُنْگاره» موسوم است، می‌توان باورها و معتقدات مردم کویر را پیرامون سوگواری جستجو کرد و ریشه برخی از این آیین‌ها و باورها را در گذشته‌های دور ایران یافت.

در بوم‌سروده‌های کویری دلبستگی‌ها و تعلقات دینی و مذهبی مرء نیز با صداقت و صمیمیت خاصی بازتاب یافته است. استفاده از زبان و تعبیر عامیانه و محاوره‌ای برای گفتگو با خدا، استمداد از اولیا و بزرگان دینی و موضوعاتی از این قبیل یکی از جلوه‌های بارز بوم‌سروده‌های کویری است. در بین شخصیت‌های دینی بدون تردید پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت علی (ع) بیش از دیگر شخصیت‌ها طرف خطاب واقع شده‌اند و از آن‌ها کمک و یاری خواسته شده است.

علی (ع) با القاب و عناوینی چون: شاه‌مردان، شاه ولایت و جز آن مخاطب واقع شده و در

یکی از این دوبیتی‌ها ترکیب چاه حیدری بکار رفته و تلمیحی به اسرارگویی‌های شاه مردان با چاه دارد در زمانه و زمینه‌ای که از خیل بی‌شمار مردمان روزگار خود، جز چاه کسی را سزاوار درک و فهم اسرار مگوی خویش نمی‌یافته است. به عنوان حسن ختام این مقدمه، دوبیتی مذکور را نقل می‌کنیم:

سرت سودا به چاه حیدری زد سر و دستت به دامن علی زد

به توفیق خدا و شاه مردان نمی‌توانم فلک را بر زمین زد

آنچه در این مختصر در نهایت ایجاز آمد، مشتی از خروار و اندکی از بسیار فوایدی است که در مطالوع بوم‌سروده‌های کویری می‌توان یافت.

ضمن آرزوی توفیق برای مؤلفان محترم این کتاب ارزشمند، امیدوارم در آینده بوم‌سروده‌های کویری را با ابعاد مختلف مورد پژوهش قرار دهند و آنچه در این مقدمه و در مباحث مقدماتی کتاب بدان اشاره شد و در بوتهٔ ایجاز و اجمال مانده است، به صورت مبسوط و مفصل به جامعهٔ علمی و فرهنگی کشور عرضه کنند.

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن مصلحتی تو ای تو سلطان سخن

کیمیا داری که تبدیلیش کنی بوی خون بود نیلش کنی

سیدحسن طباطبایی

عضو هیئت علمی گروه زبان

و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

آبان ۱۳۹۶